

امام خمینی

فرا تر از عالم. روشنفکر و انقلابی

□ اقبال صدیقی

مترجم: سیدوحید ابطحی

اشاره

مقاله‌ای که به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد به قلم آقای اقبال صدیقی، اخیراً در نشریه *Crescent International* چاپ شده است. خوانندگان عزیز توجه دارند که این مقاله کوتاه در فضای خارج از کشور و منطبق با برداشتهای نویسنده به رشته تحریر درآمده است.

از سال ۱۹۸۹ تا به حال مسلمانان در ماه ژوئن و در سراسر جهان سالروز رحلت حضرت امام خمینی را با ایراد سخنرانی و برپایی مجالس دعا برگزار می‌نمایند. امام خمینی در چهارم ژوئن ۱۹۸۹ یعنی یک دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران که به رهبری ایشان به ثمر نشست دیده از جهان فروبستند. عموماً سخنرانیها و آثار نویسندگان دربرگیرنده ابعاد معمولی و عمومی زندگی و شخصیت حضرت امام می‌باشد و سخن تازه‌ای به میان نمی‌آید. لذا این سخنرانیها و مقالات غالباً فاقد نکات مهم و کلیدی بوده و قادر نیست تا مخاطب را به تفکر و تعمق وادارد. همچنین احتمال آن می‌رود که با گذشت زمان این گونه مطالب فراموش شده و از یادها برود چرا که مردم مایلند ابعاد ویژه زندگی و شخصیت حضرت امام را مورد بررسی و تأمل قرار دهند، ابعادی که نسبت به بقیه بیشترین نفوذ و تأثیر را به روی آنها داشته است. متأسفانه در بسیاری از موارد لحاظ نمودن این

رویکرد نه تنها باعث محدود شدن افکار شده بلکه موجب می‌گردد تعالیم واقعی آن حضرت و ارزش تاریخی آنها به درستی معرفی نشده و حتی مورد تحریف واقع شود.

مثلاً در ایام سالگرد بسیاری از مراکز مُجری و برگزارکننده مراسم از مراکز شیعه به حساب می‌آیند. اینگونه مراکز امام را یک عالم شیعه دانسته و افتخار آنها این است که حضرت امام به عنوان بزرگترین رهبر اسلامی عصر حاضر از بطن یک جامعه شیعی و یا مراکز اسلامی و عملی شیعه به پا خاسته است. از آنجا که در مجامع شیعه علما کانون اصلی به حساب می‌آیند، بسیاری از سخنرانها درباره شخصیت و زندگی حضرت امام توسط ایشان ارائه می‌شود. در این سخنرانها اگرچه از امام به عنوان رهبری سیاسی نام برده می‌شود، ولی پیشینه ایشان به عنوان عالمی شیعه پُررنگ‌تر و برجسته‌تر می‌نماید. حتی زمانیکه صحبت منحصرأ بر روی موفقیت‌های سیاسی ایشان متمرکز گردیده است، شکل‌گیری ابعاد شخصیتی ایشان از فروتنی و تقوی گرفته تا الهیات و فلسفه در هیأت یک عالم شیعه مورد تأکید واقع می‌شود. اگرچه دلیل آن منطقی به نظر می‌آید، اما ممکن است به مبالغه و زیاده‌روی از این بُعد خاص در شخصیت ایشان منجر شود. کسی که در اجتماع شیعیان شرکت می‌جوید ممکن است این احساس بر او عارض شود که موفقیت امام تماماً ریشه در شیعه بودن ایشان دارد و اینکه مجالس بزرگداشت آن حضرت به مجالس خودستایی از مذهب شیعه مبدل گشته و القاکننده آن است که عدم موفقیت مسلمانان دیگر و کم‌رنگ بودن نقش آنها در انقلاب اسلامی ناشی از شیعه نبودن آنها می‌باشد. این مسئله باعث می‌شود حضرت امام و الگوی شخصیتی ایشان به طور صحیح معرفی نشده و مسلمانان غیرشیعه در تهجر و انزوا قرار گیرند. همچنین می‌تواند موجب کاسته شدن و تقلیل یافتن ابعاد مهمی در زندگی امام باشد از قبیل: گرایش ایشان به مذهب تشیع و فهم عمیق و کاملشان از تاریخ مسلمانان و یا عدم رضایت ایشان از برخی شیعیان و مؤسسات تابعه و همفکری با اندیشه‌مندان چون دکتر علی شریعتی.

از طرفی برخی از مسلمانان ایرانی و غیرشیعه که در مقام تحسین از امام برآمده‌اند، راه را اشتباه رفته و از مسیر صحیح منحرف گشته‌اند. از نظر آنها شیعه بودن امام اتفاقی بوده و ارتباطی با وجهه انقلابی و بینش سیاسی ایشان ندارد. آنها امام را بخشی از یک خط سیر اسلامی دانسته که

درب‌گیرندهٔ مردانی چون جمال‌الدین افغانی، حسن‌البنّا و مولانا مؤدودی نیز می‌باشد. در واقع هدف اصلی آنها کم‌اهمیت جلوه دادن پیشینهٔ مذهبی امام به عنوان یک عالم و روحانی شیعه بوده تا بتوانند با نسبت دادن امام به گروه‌های غیر شیعه از تهرّج و انزوا در آیند. این گروه نیز همانند گروه اول از شناخت واقعی امام غافل مانده و باعث انزوای خودشان و مخاطبان‌شان و محروم ماندن از تعالیم و آموزه‌های زندگی ایشان گشته‌اند.

دکتر کلیم صدیقی، دانشمند فقید، در رسالهٔ خود با عنوان «فرایندهای خطا، انحراف، اصلاح و تلاقی در اندیشهٔ سیاسی مسلمانان ۱۹۸۹» اندیشه و موفقیت امام را در راستای خط سیر تاریخی هر دو گروه شیعه و سنی می‌داند. او در آثار و نوشته‌های خود شخصیت حضرت امام را از منظر تاریخی مورد تحلیل قرار داده و خود را تنها به ابعاد سطحی زندگی ایشان محدود نساخته‌اند.

از نظر او موفقیت امام بواسطهٔ ظهور ایشان در ابعاد مختلف حاصل گردیده است؛ یعنی امام به عنوان یک عالم در سنت اسلامی و از بالاترین منظر اندیشه‌مندی روشنفکر برخاسته از متن جامعهٔ اسلامی و امام به عنوان رهبری سیاسی که با تغییر حکومت پس از استعماری پایه‌های اولین جامعه اسلامی را در عصر حاضر بنا نهاد.

لذا شناخت دکتر کلیم از امام شناختی صحیح بوده و در معرفی ابعاد شخصیتی ایشان به مخاطبان نیز به بهترین وجه عمل نموده است. و این دقیقاً همان مرتبه‌ای از شناخت می‌باشد که در یادمان زندگی امام و شناخت واقعی از شخصیت ایشان باید بدان دست یازیم.